

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا.م. شیری
۱۸ اکتوبر ۲۰۱۵

عملیات نیروهای هوا - فضای روسیه در سوریه، سراسیمگی در واشینگتن و بروکسل

ورود قدرتمند روسیه به میدان مبارزه با تروریسم بین المللی تحت امر امپراتوری امریکا، که همه ویژگی های فاشیسم و تروریسم را (نظامی گری، برتری طلبی، ملت برگزیده، گزافه گوئی، توسل به ترور و کشتار جمعی برای اشاعه رعب و هراس در جامعه) در خود جمع کرده، چهره اصلی و ماهیت واقعی رژیم حاکم امپراتوری و وابستگان آن را بار دیگر با وضوح هر چه تمام تر آشکار ساخت. روسیه از روز ۳۰ سپتمبر سال جاری میلادی، در شرایطی بنا به درخواست دولت قانونی سوریه و بر اساس قوانین بین المللی ناظر بر امنیت جهانی، ثبات منطقه ئی و مبارزه با گسترش خطر تروریسم به عملیات بمباران مواضع تروریسم بین المللی در این کشور دست زد، که امپراتوری امریکا و متحدان خرد و کلان ناتوئی و منطقه ئی آن، از جمله ترکیه، عربستان سعودی، قطر (اگر بتوان این آخریها را کشور شمرد) قصد داشتند در روزهای برگزاری هفتمین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که توجه جهانیان روی آن تمرکز یافته بود، طی یک حمله گاز انبری دمشق را تصرف نموده، سوریه را به وضعیت لیبیا یا حتی بدتر از آن دچار سازند و جهان را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند.

نمایش اراده و قدرت روسیه در جنگ با تروریسم بین المللی، بویژه پس از شلیک موفق ۲۶ راکت از ناوهای روسیه در دریای خزر به مواضع داعش در سوریه در ۷ اکتوبر، حکام فاشیست واشینگتن و بروکسل را غافلگیر و سراسیمه ساخت. مقامات واشینگتن و بروکسل اگر چه حمله هوایی روسیه به مواضع تروریستهای داعش در سوریه را در آغاز به نوعی تأیید می کردند، اما با گذشت اندک زمان، آرام آرام به بازخوانی و تکرار هذیانهای مالخولیانی همیشگی خود پرداخته، در مقابل نبرد تعیین کننده روسیه با تروریسم بین المللی تحت امر خود موضع خصمانه گرفتند.

تخاصم غربیها با بمباران مواضع داعش در سوریه توسط نیروهای هوا - فضای روسیه ابتداء به بهانه یک دقیقه پرواز جنگنده روسیه در حریم هوایی ترکیه خود را نشان داد. تا جایی که دبیر کل ناتو، یانس استولنبرگ جلسه اضطراری شورای فرماندهی ناتو را فراخواند و به دنبال آن مقامات و رسانه های معلوم الحال غربی جنجال و هیاهو به راه انداختند. دو بار پرواز کوتاه مدت جنگنده روسیه در حریم هوایی ترکیه اتفاقی بود که اغلب در همه کشورها: اول - به دلیل خطوط غیر مستقیم مرزی، دوم - اساساً در شرایط بدی آب و هوا یا واقع بودن فرودگاه در مناطق مرزی روی می

دهد که معمولاً موجب هیچ واکنش یا اعتراض رسمی نمی شود. البته، نباید از نظر دور داشت که در این بازی بی مایه، سعی کردند نقش اول را به رژیم نواستعماری -صهیونیستی ترکیه به ریاست رجب طیب اردو خان محول نمایند. اظهارات، بیانات و مواضع اتخاذی کینه توزانه سران رژیمهای غربی علیه بمبارانهای دقیق مواضع "داعش" (نیروی زمینی امریکا و ناتو) در سوریه توسط جنگنده های روسیه در روزهای اول در لفافه "روسیه داعش را بمباران نمی کند"، "روسیه مخالفان میانه رو سوریه را بمباران می کند"، "روسیه باید به بمباران سوریه؟! (خاتمه دهد" و نظایر چنین اراجیف مضحک پوشیده شد. اما، استمرار و شدت این بمبارانها آنها را به اظهار نظرهای احمقانه تر و اتخاذ مواضع گستاخانه تر واداشت تا آنجا که دمیستورا، نماینده اسمی سازمان ملل متحد در امور سوریه را با توجیه کذائی "ادامه بمبارانهای روسیه سوریها را به وضعیت سومالی دچار خواهد کرد"، به مسکو اعزام کردند.

البته، لازم به ذکر است که روسیه هیچ یک از بهانه تراشی ها و دفاع پوشیده و آشکار غرب از داعش را بی پاسخ نگذاشت. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور و مقامات ارشد وزارت دفاع روسیه، با بیان این که یا "به ما هدف نشان دهید یا بگوئید کجا را بمباران کنیم"، فراشان امپراتوری را در مخصمه قرار دادند. اما در نقطه مقابل این، فاشیستهای غرب نه تنها درخواست بحق و منطقی روسیه را نادیده گرفتند، حتی ادامه کمکهای تسلیحاتی به "تروریستهای میانه رو سوریه" را بار دیگر اعلام نموده و در پی آن، به گزارش سی ان ان رژیم امریکا روز پنجشنبه، ۱۴ اکتوبر ۵۰ تن تسلیحات و مهمات در ۱۱۲ بسته از طریق هوائی به تروریستها تحویل داد و در نهایت، رژیم امریکا با امتناع از مذاکره با روسیه در خصوص مبارزه با تروریسم در سوریه، به تعبیر پوتین، ضعف و درماندگی سیاسی خود را نشان داد. به اضافه این، دولت امریکا حماقت و سرگشتگی خود را آنجا نشان داد که از شناسائی حمله راکتی روز سه شنبه (۱۳ اکتوبر) به سفارت روسیه در دمشق به مثابه یک اقدام تروریستی خودداری نمود و چندی پیش نیز با طرح پیشنهادی روسیه مبنی بر وارد کردن نام "داعش" به لیست تروریستهای شورای امنیت سازمان ملل متحد مخالفت کرد. ناگفته نماند من با این رفتار امریکا به این ترتیب موافقم که اولاً -غربیها با توجه به منافع نامشروع خود تروریسم را همواره به دو گونه متفاوت: "تروریسم خوب" و "تروریسم بد" تعریف نموده و غیر از گروها و سازمانهای تروریستی دست ساز خود، که "تروریستهای خوب" حساب می کنند، هر کشور یا سازمان "نامطلوبی" را که در نقطه مقابل منافع غرب قرار گیرد، به نام "تروریست بد" یا "حامی تروریسم"، در لیست تروریستی جعلی خود وارد می سازند. ثانیاً -با این توضیح که به نظر من داعش واقعاً یک گروه یا سازمان تروریستی نیست. زیرا، نفرات سازمانهای تروریستی معمولاً و لزوماً باید به سلاحهای نفری و تجهیزات خرابکاری قابل اختفاء و حمل در زیر لباس یا حد اکثر خودرو مجهز باشند؛ تروریستها نمی توانند جا و مکان شناخته شده داشته باشند؛ چرا که به اقتضای عمل خود، باید بزنند و در بروند و مخفی شوند... اما داعش و همه سازمانهای تروریستی ساخته رژیمهای فاشیستی غرب مانند "القاعده"، طالبان، بوکوحرام، الشباب و سایرین، کشورها و یا منطقی از آنها را اشغال می کنند، به سلاحهای سنگین و پیشرفته مسلح هستند؛ در مناطق تحت سلطه خود حکومت تشکیل می دهند و حکمرانی می کنند؛ استحکامات و مراکز فرماندهی جنگی ایجاد می کنند؛ بخشی از نفت مورد نیاز غرب و ۷۰ - ۸۰ درصد مواد مخدر جهان را تأمین می نمایند؛ ثروتهای مادی -معنوی، فرهنگی -تاریخی مناطق اشغالی را به غرب قاچاق می کنند و مشتری همه متاع آنها نیز امریکا و رژیمهای غربی متحد آن هستند... بنا بر این، داعش یا سایر گروههای تروریستی را می توان در ردیف یک ارتش کامل و مجهز به آخرین فناوری قتل و کشتار مانند ناتو طبقه بندی کرد. به عبارت دیگر، داعش و سایر گروههای تروریستی را می توان بخش منتخب زبده ترین نیروی زمینی امریکا و ناتو حساب کرد. با این وصف، امریکا حق داشت و دارد با وارد کردن نام داعش به لیست تروریستهای شورای امنیت سازمان ملل متحد مخالفت نماید.

به هر صورت، در مدت پنج سالی که از آغاز جنگ استعماری غرب علیه سوریه، کشتار بی امان انسانهای بیگناه، ویرانی کامل زیرساختها و تاراج ثروتهای مادی و تاریخی آن می گذرد، بسیاری از اسرار این جنگ کثیف از پرده برون افتاده، واقعیتهای زیادی روشن شده است. با این وجود، یادآوری برخی نکات برجسته از گاه شمار جنگ استعماری فاشیسم غرب علیه سوریه به طور کلی، منطقه نفتخیز خاورمیانه ضروری به نظر می رسد.

امپراتوری امریکا و امارش که در سالهای دهه هشتاد سده گذشته میلادی با ایجاد گروه "القاعده" و طالبان تروریسم را به سطح سیاست رسمی دولتی خود ارتقاء درجه دادند و پس از آن، در سالهای آغازین دهه نود، "انقلابات رنگی"، یعنی تروریسم در قالب شورشهای خیابانی به شکل ترور و کشتار انسانها و انتساب آن به دولتهای حاکم را در کشورهای "نامطلوب" اتحاد شوروی و اروپای شرقی در دستور روز قرار دادند. در نتیجه تداوم و توسعه سال به سال این روش مضموم، موفق شدند در سال ۲۰۱۱ اوضاع کشورهای تونس، مصر، یمن را با عنوان جعلی و عوام خر کن "بهار عربی" به هم زده، "خودیهای مستهلک" را از اریکه قدرت به زیر بکشند. در این کشورها، امپراتوری به روش شناخته شده "بزن خودی را تا دیگران بترسند" متوسل شد. در ادامه "بهار عربی" رژیمهای غربی توانستند لیبیا، پیشرفته ترین کشور افریقا و مرفه ترین کشور جهان بعد از نابودی اتحاد شوروی را که هیچ اتفاق و اعتراضی در آن روی نداد، با استفاده از فلمهای تبلیغاتی شبیه سازی شده در هالیوود، آنکارا، قطر و با استفاده از گروههای تروریستی و بمبارانهای جنون آمیز از هوا و بحر به عصر پارینه سنگی برگردانده، رهبر آن، سرهنگ قذافی را در پیش پای هیلری کلینتن، وزیر خارجه وقت امریکا به طرز فجیعی قربانی نمایند. البته، در اینجا ناگفته نماند که امروزه شوروی به نام لیبیا عملاً وجود ندارد. این کشور به حوزه نفوذ طوایف و قبایل تقسیم شده و بیش از ۵۶۰ دسته و گروه بر سر ریزه ها و بقایای ثروتهای به تاراج رفته لیبیای سابق با هم می جنگند.

تقریباً همزمان با لیبیا، عین سناریو را در کشور "نامطلوب" دیگر، در سوریه، کشوری با حاکمیت دمکراتیک (طبق تعاریف سرمایه داری) در ماه مارچ سال ۲۰۱۱ به نمایش گذاشتند. با شروع جنگ استعماری -نیابتی غرب علیه سوریه، گماشتگان امپراتوری و بادمجان دور قاب چینهای آن تمام نیرو و توان خود را برای مداخله نظامی و تبدیل جنگ نیابتی به جنگ مستقیم به کار بستند. اما همه طرحهای ارائه شده رژیمهای فاشیستی -تروریستی غرب به شورای امنیت سازمان ملل متحد با مانع وتوی چین و روسیه نقش بر آب شد.

در مواجهه با چنین موانع مستحکم، سران غرب افکار عمومی را مدتی با تبلیغات سوء پیرامون تسلیحات کیمائی سوریه، که در مقابل سلاحهای اتمی اسرائیل تولید شده بود، مشغول داشته و استفاده موهوم سوریه از آن را به عنوان "خط قرمز" خود اعلام کردند. در راستای بهره برداری از این تبلیغات، چندین بار از سلاح کیمیائی برای کشتار شهروندان سوریه از جمله در حلب و غوطه به واسطه واحدهای نظامی -تروریستی تحت فرمان خود استفاده کردند. این دسیسه و جنایت آنها نیز با مانع سخت روبه رو گردید و به ابتکار روسیه، سوریه خلع سلاح کیمیائی، و غرب امپریالیستی خلع "خط قرمز" گردید.

با وجود اینها، فکر اشغال سوریه حتی برای یک لحظه هم از سر سران بی سر غرب بیرون نشد. به منظور اجرای این طرح کثیف، زمانی گله ای به نام "دوستان سوریه" به سردمداری امپراتوری امریکا تشکیل داده و کنفرانسهای یک و دوی ژنیو را برگزار کردند. این ترفندشان نیز کارگر نیفتاد. دست آخر، جنگ سالاران غربی شیدای خود را با تشکیل "ائتلاف" مرکب از ۶۰ کشور قد و نیم قد برای "یک دوره ۱۰ ساله جنگ با داعش" در ماه جون سال گذشته به نمایش گذاشتند. از همان ابتداء پیدا بود که این دسیسه غربیها برای مداخله مستقیم در جنگ علیه سوریه نیز جز رسوائی نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت و عملاً شاهدیم که چنین هم شد. زیرا، در اثر بمباران هوائی مواضع تروریستهای داعش

در سوریه و عراق توسط نیروهای هوایی امپراتوری امریکا و برخی پیروانش در مدت ۱۵ ماه پس از تشکیل "ائتلاف شصت گانه"، نه تنها در تحرکات تروریستهای داعش کمترین تضعیفی مشاهده نشد، حتی، موجب تقویت، تسلط آن بر اراضی بیشتری از خاک سوریه و عراق و سنگین تر شدن پرونده جنایات این ارتش تروریستی غرب نیز گردید. و اگر این را هم اضافه کنیم که "جنگ" چهارده ساله امپراتوری امریکا و متحدان قد و نیم قد آن با تروریسم در افغانستان نیز فقط به تقویت ترور و تروریسم، جنگ و نا امنی، افزایش چندین ده برابری تولید و قاچاق مواد مخدر منتج گردید، اسرار نهران جنگ زرگری و عوافریبانه امپراتوری امریکا و دست نشاندهانش با تروریسم بین المللی هویدا می گردد و به تبع آن، تصویر واضحی از سیمای ضد انسانی غرب امپریالیستی-فاشیستی در مقابل هر چشم بینا نمایان می شود.

با این اوصاف، مشارکت فعال روسیه به عنوان یکی از اعضای ائتلاف غیررسمی ششگانه-ایران، سوریه، عراق، حزب الله لبنان و مقاومت فلسطین و همچنین، به مثابه یکی از اعضای مرکز اطلاعات تازه تأسیس ائتلاف چهارجانبه بغداد در مبارزه با تروریسم بین المللی، در عین تغییر تمام معادلات جهانی و منطقه ئی، طشت رسوائی امپراتوری امریکا و دنباله روانش در بروکسل را از بام جهان فرو افکند و نشان داد که همه ترفندها و توطئه های آن از قبیل تلاش برای "ایجاد منطقه پرواز ممنوع برای نیروی هوایی سوریه"، طرح تشکیل گله "دوستان سوریه"، سر هم بندی "ائتلاف ضد داعش" و تعیین مهلت ۱۰ ساله برای "مبارزه" با آن، چیزی نبود جز تلاشهای نابخردانه برای دستیابی به اهداف پلید خود در خاورمیانه و در رأس آنها، اشغال سوریه.

به عبارت دیگر، همه اقدامات و عملکردهای رژیم امریکا نشان داد که "داعش" بخشی از نیروی زمینی امریکا و ناتو است و نیروهای هوا-فضای روسیه از جنگ دفاعی ارتش ملی و نیروهای دفاع مردمی سوریه با ارتش متجاوز خارجی و مزدوران داخلی آنها پشتیبانی می کند.

خبرهای میدان جنگ استعماری غرب علیه سوریه حاکی از آن است که چشم انداز پیروزی نیروهای دفاعی و تشدید و تداوم سراسیمگی و سرگشتگی سران غرب در واشینگتن و بروکسل از هم اکنون پیداست.

۲۵ مهر-میزان ۱۳۹۴

یادداشت:

درج چنین گزارشاتی نباید به معنای حمایت و یا هم تبلیغ مثبت برای ارتش جنایتکار روسیه، که تا هنوز خون میلیونها قهرمان آزاده افغان بر دستان ناپاک فرماندهان آنها از دور پیداست، تلقی گردد؛ بلکه معلوماتیست آگاهگرانه از آنچه در جهان می گذرد.

اداره پورتال AA-AA